

## نشست شصت و ششم - سوره مبارکه حشر با محوریت جایگاه رسول اکرم - بخش اول

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين الحمد لله که با سوره حشر در یک چنین ایام پر خیر و برکتی که مُزین به نام پیامبر گرامی اسلام است، به نشست شصت و ششم رسیدیم. گر چه همه روزها و ایام از آن پیامبر گرامی اسلام است؛ ولی در ماه ربیع الاول و دوازدهم تا هفدهم این ماه به طور ویژه نام پیامبر می درخشد. و موضوع جلسه کاملاً با این ایام سنخیت دارد. این نشست، چهارمین جلسه درباره سوره حشر است. دو جلسه سال گذشته و یک جلسه ماه قبل داشتیم و درباره موضوعات سوره سخن گفتیم و به یک امری در سوره رسیدیم ( **ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا**) قرار شد سوره را با محوریت این امر مطالعه کنیم. لذا موضوع جلسه شد: **بررسی جایگاه پیامبر گرامی اسلام و وظیفه ما در قبال ایشان.**

ما این تقارن را به فال نیک می گیریم. این جلسه هم به دلیل سوره حشر که پیامبر در آن می درخشند، مهم است و هم به دلیل ایام میلاد ایشان. خدا را شکر می کنیم که در چنین موقعیتی هستیم. جلسه دو بخش است:

یک بخش زحمتی است که دوستان باشگاه کشیده اند و اوامر سوره را بررسی کرده اند. ما قرار است در دور جدید مطالعه سوره ها، روی اوامر آن ها متمرکز شویم؛ به دلیل این که طهارتی را که باید از سوره دریافت کنیم، به بهترین وجه دریافت کنیم.

سوره های مسبحات را یک بار در سال گذشته (سال ۹۸) خواندیم و امسال بنا داریم روی امرهای این سوره ها بیشتر کار کنیم. سوره حدید را کار کردیم و به این باور رسیدیم که امر این سوره ها، همان رسالتی است که خدا از زندگی ما در قبال جریان توحید می خواهد و ما باید روی آن امر متمرکز شویم.

برای همین، دوستان، گروه انفاق را موازی این جلسات راه انداخته اند؛ چون یکی از امرهای مشترک بین این پنج سوره، امر به انفاق است و بنا شد جمع باشگاه همان طور که دارند این سوره ها را یاد می گیرند و در زندگیشان پیاده می کنند، در قالب یک حرکت جمعی کار انفاق انجام دهند. در گام اول، یک انفاق معنوی محتوایی محور فعالیت دوستان شده که إن شاء الله توسعه پیدا کند.

### آشنایی با فضای سوره مبارکه حشر

سوره مبارکه حشر، سوره جریان تسبیح در عالم هستی است. تمام هستی فریاد می زند خدایی را که هیچ نقصی در او نیست. این نکته خیلی مهمی است که مفصل در مورد آن صحبت کرده ایم. اجمال آن این است که جریانی

در عالم است در تنزیه خدا، که هیچ نقصی را در خدا نمی بیند و آن را نفی می کند و در ساحت الهی انکار می کند. انتظار این است که انسان‌ها با یک چنین جریانی همراه باشند.

ماجرای سوره حشر ماجرای نبردی است بین یکی از اقوام یهودی به نام بنی نضیر و جریان مسلمانان. بنی نضیر خیانت خیلی بدی کردند. در گرماگرم نبرد های پیامبر این ها که عهد بسته بودند که با دشمنان پیامبر همراهی نکنند، خیانت کردند. ضربه ای زدند و یک هراس ویژه‌ای را ایجاد کردند. چون عهد را زیر پا گذاشتند بنا شد که با این ها برخورد بشود. یا آن ها را بگیرند، یا محاکمه کنند و یا بیرونشان کنند. ظاهراً دم و دستگاه خیلی قدرتمند و هیمنه ای داشتند و هر کسی به راحتی از پس آن ها بر نمی آمد. خداوند به پیامبر دستور می دهد که به سمت این قوم حرکت کن. چند بار به این ها اخطار داده شده بود و این ها گردن کلفتی می کردند. همین که پیامبر راه می‌افتند چنان رعبی به دل آن ها می‌افتد که پیامبر نرسیده، تمام قلعه را تخلیه کرده و رفته اند. این شوخی نیست. شما فکر کنید خانه تان را رها کنید و بروید فکر کنید یک قلعه را که جمعیت قابل توجهی در آن زندگی می کنند؛ مثلاً یک روستا را یک دفعه تخلیه کنند، بروند. این ها تخلیه کردند و رفتند و کل آن سرزمین بسیار بزرگی که فدک جزء همین سرزمین بود و نخلستان های بسیار بزرگ و قلعه های آن در اختیار پیامبر و مومنین قرار گرفت. و اصلاً با رعب این اتفاق افتاد و الذین کفرو ای که شما فکر نمی کردید بشود آن ها را خارج کرد، خودشان بیرون رفتند.

شما این آیات را می شنوید، ظاهراً موضوع بنی نضیر است؛ اما غرض موضوع، بخشی از مومنین هستند. آیه می‌فرماید: **(ما ظننتم ان یخرجوا)** شما گمان نمی کردید که این ها را بشود بیرون کرد اما خدا طوری این ها را بیرون کرد که شما فکرش را هم نمی کردید. مثل این که الان به خیلی ها بگویند که ۲۲ سال دیگر از اسرائیل خبری نیست. می‌گویند تازه دارند معاهده امضا می‌کنند. تازه جای پایش دارد محکم می شود. باور نمی کند. اما یک جور خارج می شود به قول فردوسی **«چنان شد که گفتی ز مادر نژاد»** یک طوری مُرد که انگار دنیا نیمه‌ده بود. یک جوری بیرون می روند که انگار نبودند. حالا در این صحنه نبرد با یک دشمن نامرد و سیّاس و قدرتمند، یهودیانی که به شدت مکر داشتند و به شدت قدرتمند بودند، قلعه هایی داشتند که نمی‌شد به راحتی گرفت. یکی دیگر از این قلعه ها خیبر بود و هر کدام از این قلعه‌ها با ماجرای عجیب و غریبی گرفته شدند. به طور عادی یک لشکر با شمشیر نمی توانست قلعه‌های آن ها را بگیرد؛ یعنی فکر نمی‌کردند این اتفاق بیفتد. خیلی شگفت انگیز بود. خدا می‌فرماید: **(فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ)** پا در رکاب اسبی نگذاشتید و این اتفاق افتاد. خدا نشان داد اگر بخواهد، خودش و رسولش برای پیروزی کافی هستند. این خیلی حرف بزرگی است.

آی مومنین عالم اگر به شما می‌گویند دین را یاری کنید، نه این که خداوند و رسول خدا دستشان بسته است؛ خدا اگر بخواهد با رسولش کافی است برای این که نظام‌هایی را سرنگون کنند که شما فکرش را هم نمی کردید؛

البته این ماجرای جدیدی نیست. خیلی پیش تر اگر مومنین اهل بصیرت بودند - آیه می گوید **فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ** - می دیدند حضرت موسی و هارون علیهما السلام هم، فرعون را زمین زدند. حضرت ابراهیم یک نفره نمرود را زمین زد؛ این در تاریخ چیز عجیبی نیست که پیامبران به تنهایی غلبه کنند.

اگر پیغمبر گرامی اسلام با شما زندگی می کند و می خواهد با شما این کار را انجام بدهد برای این است که شما سرافراز باشید. بعضی فکر می کنند اگر نباشند رسول الله در سه کنجی گیر می کند. رسول خدا هیچ وقت در هیچ کجای عالم در سه کنجی گیر نمی کند. حتی در آن جا که رسولی را شهید کردند، آن رسول نبوده که در سه کنجی گیر کرده، بلکه آن ها در سه کنجی بودند که چاره ای جز به شهادت رساندن رسول خدا و کشتن او نداشتند و البته باز هم نتوانستند جلوی حرکتش را بگیرند. رسول بعد از شهادتش و وقتی شهید می شود چنان طوفانی به پا می کند، (مثل جریان ابا عبدالله) بیشتر از وقتی که زنده بود.

جریان تسبیح در این سوره یعنی بخواهی یا نخواهی عالم به سمت تنزیه می رود و تمام عیب ها و آشغال هایش را حذف می کند. این قانون این عالم است. شما می توانید با این جریان همراه بشوید یا می توانید مقابل آن بایستید اگر مقابل آن بایستید نابودیتان. کاری ندارد می توانید نظاره گر باشید و بگویید خدا که دارد این کار را می کند، بگذار خدا با حضرت موسی بروند این کار را بکنند. چه کاری است ما برویم! مگر نمی گویند آن ها پیروزند. مثل حرف بنی اسرائیل. وقتی پیروز شدند، ما می رویم از مواهبش استفاده می کنیم؛ در حالی که همه حرف سوره این است که همین که شما در این میدان، کنار پیامبر قرار می گیرید، شما به رشد و تعالی می رسید. این جهاد رشد و تعالی شماست؛ نه خدا به آن احتیاج دارد و نه رسول خدا. اگر کسی فکر کند رسول خدا برای این که دنیا را از عدل و داد پر کند، به کسی احتیاج دارد اشتباه فکر کرده.

در مورد ظهور، فکر می کنید ما داریم دنیا را به سمت ظهور می بریم؟ ۱۲۵۰ سال است حضرت حجت خودشان دارند دنیا را به سمت ظهور می برند. بعد شما می گویند چطوری در آن نقطه هند یک عده شیعه هستند؟ در فلان نقطه یک عده شیعه هستند؟ این شیعه ها چطور پیدا شده اند؟ خوب کسی رفته آن جا و کاری انجام داده. خوب چه کسی بوده؟ در هند، در امریکای جنوبی، کار به شیعه و سنی ندارم. دارد باور جهاد را در عالم پخش می کند. امام زمان که نمی نشیند شرایط ظهور را دیگران فراهم کنند. اگر به ظهور نزدیک شده ایم، ما خیلی این کار را نکرده ایم. این کار با همراهی رسول اتفاق می افتد. او به مجاهدت ما احتیاجی ندارد ما نیاز داریم به درک درست از: «در کنار رسول بودن» که موضوع این جلسه است. این که این همراهی کردن با رسول خدا در چنین میدانی یعنی چه؟ کنار رسول خدا بودن یعنی چه؟ که دوستان زحمت کشیده اند آمدند اوامر سوره را کار کرده اند و هر چه صیغه امر در سوره است در آورده اند که ما یک دور با امرهای سوره آشنا بشویم و این ها را ببریم حول یکی از

امرهای اصلی سوره (ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا) ببینیم این یعنی چه و چگونه می توانیم  
آن را در زندگی مان پیاده کنیم با ذکر صلوات در خدمت دوستان هستیم.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد